



دراعتراض به اسلام هراسی در غرب

مازيار جبراني | مترجم حميدرضاا كرمي، پژوهشگر ومدرس علوم ارتباطات |

مقدمــه مترجــم: مازیــار «مــاز» جبرانــی، که به عنــوان پلنــگ صور تــی فارســی هم شــناخته شــده، یـک طنزپــرداز وبازیگــر ایرانی – آمریکایی است. کتــاب او با عنوان ــتم،امانقــشاش را در ن تروریسـ تلویزیون بازی کردهام»، توسط انتشارات سیمون و شوسـتر در مـاه آینــده میلادی منتشر خواهدشد.جبرانی درسالیان گذشته،

وقتی در ســال ۲۰۰۷ میلادی بــرای اولینبار

فاور میانه سفر کر دم تا همراه با دو طنزیر داز دیگر،

برنامههایی را در قالب تور طنز «محور شــرارت» اجرا کنم، هر جــا می رفتیم، حامیــان مالی برنامه

به ما هشدار میدادند که از صحبت درباره مسائل ب جنسی، مذهبی و سیاسی خودداری کنیم، با این حساب، تقریباهمه جوکهای مااز رده خارج بودند؛

مگر آنهایی که احتمالاً درباره لاک پُشت خانگی مان

تفسیر شوند. این شرایط مرابه فکر فرو برد که چرا در این کشورها، طنز به این شکل، تهدید آمیز دیده

می شـود. بعد توجهم به ایالات متحده جلب شـد؛ کشــوری که من بیشــتر عمرم را آنجا گذراندهام. فراموش نکنیم که تنها ۵۰ تا ۶۰ســال پیش، لنی

بازُداشت شد. بعد از او هُم طُنزپُردازُان ديگری همچـون جـورج کارليـن (George Carlin)،

ریچارد پریور (Richard Pryor) و دیک گر گوری

(Dick Gregory) مرزهای آزادیبیان را در ایالات متحده درنور دیدند، اما درست به همین دلیل،

... صدای اکثر آنها خاموش شد. حمـــلات اخیر فرانســه، طنــز را در مقابل جهان

اسلام قرار داده اسَّت. من بهعنوان یک مجری طنز

سرپایی، تا کنون در حضور هزاران نفر مسلمان، در خاورمیانه برنامه طنز اجرا کــردمام. باور کنید یا نه،

این مُردم به بسسیاری از طنزهای مسن خندیدهاند؛ بهخصوص وقتی به طنز، بسه فرهنگ محلی تلنگر

دمام. لبناني هـ اخيلي خوش شــان مي آمد، وقتي

راُنندگی آنهـا را به طنز می گرفتــی و می گفتی که

. نجا، چراغ قرمز تنها جنبه پیشنهادی دارد و کسی

ضرور تی برای ایستادن احساس نمی کند. در دوبی، وقتی می گفتی که آنها بهشکلی وسواس گونه دوست

ارندد موردهمه حيزين گش راداشته باشند،مثل

بزرگترین سُاختمان جُهاُنُ،بزرگترین فروشگاه دنیا،

بزر گترین آتش بازی ممکن (طوری که کشور بحرین

برر عربی سیبری سیبری مسین مورد حمله نظامی در همسایگی آنها فکر کند که مورد حمله نظامی قرار گرفته) خیلی میخندیدند. وقتی به اردنی ها به شـوخی گفتم که متوجـه شـدهام دی وی دی

. طنز ما یک قــرارداد توزیع در کشــور اردن دارد که

برمبنای آن، یـک اردنیی دی وی دی را می خرد و بعد همه اردنی های دیگر آن را می بینند (کنایه از تکثیر و توزیع غیرمجاز دی وی دی موردنظر)، آنها

خیلی ُ خُندُیدند. باور نمی کنید؟ مــدرُک دارُم. اگر میخواهید خودتان مسلمانانی را که میخندیدند،

بیت به به برده می در مصور در مجاور . (TED Talk) مراجعه کنید که چندسال پیش اجرا شد. در این ویدیو، تصاویری از مسلمانان را

ميبينيد كه با لباسهاي سينتي اسلامي، درحال

به هر حال، دین موضوع حساسی است. اما به

. عقیده من، با وجود این که اکثریت مسلمانان،

ه تصویر کشیدن حضرت محمد(ص) در

. کاریکاتورها را خطا میدانند، هر گــز برای اعتراض به این خطا به خشونت متوسل نمی شوند. تنها یک

اقلیت افراطی هستند که به چنین اقداماتی دست میزنند؛ بیایید از یاد نبریم که مردم کشورهای

غربی و سایر کشـورها هم حساسیتهای خاص غربی و سایر کشـورها هم حساسیتهای خاص خودشان رادارند.من خودم، تاهمین ۱۰سال پیش، بامجادلاتی بر سر سانسور محتوای برنامههای طنزم

فنديدنهستند

، بــه برنامــه مــن در قطــر در مجموعه تد

نوشُته بودیم که حتی آنها هُم می توانستند جن

اجراهـای زیــادی را به صورت طنز ســر پایی (Standup Comedy) در آمریــکا، خاور میانه و کشــورهای مختلف دیگر بر گزار کرده و در این اجراها، علاوه بر ایجاد شیادابی و نشیاط در مخاطبانش، تسلاش می کندروند نگارهسازی منفی از ایرانیان، اعراب و مسلمانان را به چالش بکشد. او در بسیاری از برنامههایش، این رویه را مــورد نقد قرار داده یک بار در مجموعه «کمندی سنترال»

یک نمایس طنز سرپایی به نام ترکیب ممتاز (Premium Blend) داشته. در آن زمان مسن برنامه امرابا جوکی که به چند نشان تجاری از قبیل مُرسددسُ بنز، سِون الوِن (Eleven-۷) و اسْلِر پَی (Slurpee) اشاره داشت، به پایان میرساندم. وقتی رنامهٔ ایرای تصویب ارایه کردم، تولید کننده برنامه برد... از بردی صویه بردید کرد... و بید سعت برد... گفت نمی توانم به آن سه نشان تجاری اشاره کنم؛ چرا که ممکن است همان شر کتها، حامیان مالی نمایش نه معرض استههان شر ندها، خدمینان مایی نمایش باشند در اینجابود که متوجه شده در خوارمیانه خدا خدااست، امادر غرب، گویی حامی مالی خدااست. بعد از آن، در جریان رختگ عمراق چند بار روی صحنه نمایسش در آس آنجلس، درساره رئیس جمهوری وقت، جورج بوش جو کهایی گفتم.

رئیس جمهوری و که در ردیف جلو نشدیی عمیم. یک بار، دختر جوانی که در ردیف جلو نشسته بود، فریاد زد که «تو نمی توانسی در زمان جنگ، فرمانده ارشد دما رومسخره کنی!» او واقعـا جوک گفتن . من درباره رئیسجمهوری را توهین آمیز و اشـــتباه ت و می خواست که من از این کار دست بکشــه این اتفاق چندین بار در جریان جنگ تکرار شــد، طوری که بعضی ها واقعا از دست من عصبانی

• به هر حال، دین موضوع حساســی اســت. اما به عقیده من، با وجــود این که اکثریت بسلمانان، به تصویر کشب دن حضرت محمد(ص) در کار بکاتورها را خطا می دانند، هرگز برای اعتراض به این خطا به خشرونت متوسل نمی شوند. تنها یک اقلیت افراطی هستند که به چنین اقداماتی دست می زنند؛ ...بیاییداز یاد نبریم که مردم کشورهای غربی و سایر کشورها هم حساســیتهای خاص خودشان را دارند. من خودم، تا همین ۱۰سال پیش، با مجادلاتی بر سر سانسور محتوای بر نامههای طنزم مواجه شدهام.

چار دردسر شویم. در حالی که من مثلا در کشوری

ماستروياني؟ياحتي چارلتون هستون؟ با توجه به اين واقعيت بهسادگي مي توان فهميد که چرا به تصویر گشــیدن حضرت محمــد (ص) در کاریکاتورهای شارلی ابدو برای مسلمانان توهین آمیز بود. با وجود این، اکثریت مسلمانان برای بیان اعتراض برد. بو بود. پین سریت سیدن برای بین سریت خود به این اقدام، به خشــونت متوســل نمیشــوند. تروریستهایی که هفته گذشته به دفاتر این روزنامه اسلامی عقیده دارد، برای تحریک خشم و ُحمله علیه مسلمانان در جامعه فرانسه و در نتیجه، بهبود شرایط

نكردند كه اين نقش را إيفا كند؟ عمر شريف؟ مارسلو

نامناسبالقاعده در جذُب مسلمانان. مسن در ایالات متحده بسزرگ ش

نه فقط در جهان اسلام، بلکه در غرب هم می توانند توهین آمیز تلقی شـوند. نکتهای که بایــد درمورد ر بر سے سودہ دست، یا جیسه مارسورہ جہان اسلام به آن توجه ویژه داشت، این است که از نظر مسلمانان، اصولاً هر گونه به تصویر کشیدن یُامبُر اسلام توهین آمیُز و خُطاست.برای دُرک بهتر بن واقعیت، نگاهی بیندازید به فیلم سینمایی پیام (که ما در ایران آن را با عنوان محمد(ص) رسه ا ا دیدهایم) که در سال ۱۹۷۷ میلادی با نقش آفرینی أنتونى كويين ساخته شدو روند تاريخي شكل گيرى دین اسلام را به تصویر می کشد. در این فیلم، آنتونی کویین بــا دوربیــن صحبــت می کند...(کارگردان ـــوریهای-آمریکایی این فیلم، مصطفی عقّادُ، در این زَمینه با پیشوایان دین اسلام مشورت کرده بود.) حالی که در فیلمی درباره مسیح، ما از بازیگرانی برای ایفای نقش حضرت مسیح بهره می گیریم، در فیلمی که درباره پیامبر اسلام ساخته می شود، چنین اقدامی می تواند توهین به مقدسات تلقی شود. بر ای ه غربی، دیدن چنین صحنه یک بینکان طربی بیس بسین حد مینی غریب است؛ چرا که او نمی تواند در ک کند چرا هیچ بازیگری نتوانسته نقش پیامبر را بازی کند چنین بینندهای ممکن است بهرسد: «هیچ کس را پیدا

و تلاش كـرده تا توجـه افكارعمومي غرب و

شرق رابه مفسرات و مشکلات این نگرش یک سویه جلب کنند؛ نگرش یک سویهای

عنوان شرقشناســی یاد کردهاند؛ یعنی نگاه

ری ری به شرق براساس کلیشههای ذهنی از پیش ساخته شده غربیان. مقاله حاضر که روز

سطینی - آمریکایی از آن با

ه، طنــز را در مقابل جهان اســلام قرار داده اس یک مجری طنز سر یابی، تا کنون در حضور هزاران نفر مسلمان، در خاور میانه بر نامه طنــز اجرا کردهام بــاور کنید یانه، این مردم به بسیباری از طنز های مــن خندیدهاند: به خصوص وقتی بــه طنز، به فرهنــگ محلی تلنگــر زدهام. اگــر می خواهید خودتان مسلمانانی را که می خندیدند، ببینید، به برنامه من در قطر در مجموعه تدتاک (TED Talk) مراجعه کنید که چندسال پیش اجرا شد. در این ویدیو، تصاویری از مسلمانان را می بینید که با لباس های سنتی اسلامی، در حال خندیدن هستند

> شدند و تصمیم گرفتند سالن نمایش را ترک کنند. من البته ناچار بودم به آنها یادآوری کنم که از زمان شــروع جنگ با عراق، یکی از ادعاهای مــا این بود که می خواهیم مردمسالاری را به عراق ببریم. من سعی کردم به ریاکاری نهفته در روحیه افرادی اشاره کنم که از یک طرف می گویند ما میخواهیم همراه با تحقق مردمسالاری در عراق، آزادی بیان را نیز به مردم آن کشور هدیه کنیم، اما از سوی دیگر، همان افراد، در ایالات متحده، از من توقع دارند که زادیبیانم را محدود کنم؛ فقط به این دلیل که نظر من با آنها یکی نیست. من همچنین اشاره کر دم ں. که زیبایی ایالاتمتحدہ و غرب در این اسے مے توانیم بار ہیران خود شوخی کنیم بدون این که دیگر نمی توانم با رئیس جمهوری آنها شوخی کنم. اگرایُن کارراُبکنم و بعد شمااز مُن بپرسید که برنامه بعدیات چه زمانی و کجاست، به شما پاسخ خواهم داد که دیگر بر نامهای نیدار م، حون وزارت «تمانش ىينمايىش» جُلسوى كارم را گرفته و گفتىــه برنامه بعدیات،نمایش خداحافظی در زندان خواهد بود.

ذكراينهابراي أين بودكه خاطرنشان كنم، جوكها

مذهبی نمیدانیم. بهعسلاوهٔ، از آزادیبیانُ حمایتُ میکنم و عقیده دارم که طنزپردازان باید بتوانند ی ۱/۱۰ تر کرد در کین مال می متولد هرچه میخواهند بگویند. در عین حال، من متولد ایران، افرادی را می بینم که نمی توانند باور کنند ما ایرانی ها هم واقعاً روحیه طنز داریم؛ و از این موضوع بهتزده میشــوم. هنگامــی که تور طنــز «محور

یکشنبه ۱۱ ژانویه ۲۰۱۵ میلادی توسط همین طنزپرداز در مجله پولیتیکو بهچاپ رسیده، دیدگاه او در مورد حمله به نشریه طنز شارلی دید در پاریس و تحلیل اواز دلایل و عواقب ایدن رویداد را منعکس می کنند. پولیتیکو نشریهای سیاسی در ایالات متحده است که روزانه به صورت آنلاین و هر دوماه یکبار بەصورتچاپىمنتشرمىشود.

شرارت» را اجرا می کردیم و این برنامه برای اولین بار نر کمدی سنترال اجرا شد، به یک چت روم رفتم تاعکسالعمل مــردم را درباره برنامه ببینم. یک نفر خطاب به دیگری نوشــتهبود: «من نمی دانستم که اینها هــم می خُندنُد.» و از نَظر مــن این اصلاخوب نیست. متاسفانه در بسیاری از مواقع، وقتی ایرانی ها، پیست، مساعت در بسیوری ر هوندی و برسی...
اعراب مسلمانان و سایر مردم آن سوی دنیا را در یک
شلیم یا سریال آمریکایی می پینیدادین الوارد تر نقش
شخصیت هایی ظاهر می شوند که چنین جملاتی
را بهزیان می آورند: «بهاذن خدا، می کشمت!» شما
بهندرت ما (شرقی ها) را در نقش هایی می پینید که
بهندرت ما (شرقی ها) را در نقش هایی می پینید که میخندند، می رقصند یا آوازِ میخوانند و این باعث مىشودمردم فكركنندكه ماكس طنز وشوخطبعى . داریم. من خودم هم در این زمینه مقصر م؛ چرا که در اوایل زندگی حرفه ای ام، چند قطعه اینچنینی بازی کردم،امااز آن به بعد عهد کردم که دیگر در نقش های نروریستی که به تداوم این اُنگارهسازی منّفی کمک می کنند، بازی نکنم. حتی برای تلاش بیشتر در این راه، یک برنامه طنز بهنام «جیمی وستوود: قهرمان آمریکایی» تولید کردم که خسودم در آن نقش یک ایرانی را دارم که به آمریکامهاجرت می کندو درواقع

اما تنها به گفتــه من مبنی بر این که مس حسشوخ طبعى دارند بسنده نكنيد؛ مي تواتيد فيلم مستند ساخته شده توسط دوســـتم احمداحمد (او هم یکی از اعضای تور طنز «محور شرارت» است) را هم تماشاً کنید. چندسال پیش او دوربین خود را در کارش نشان می دهد که مسلمانان در سراسر منطقه ری در کی سی خندنداین فیلم، «درست مثل ما»نامگذاری شدتا ناکید کند که این افراد (مسلمانان)، درست مثل ما ي خندند؛ و نه فقط به جو کهاي منطقه خودشان؛ برخىازطنز پردازان اين فيلُم آمريكايي هس ب بی ر کرپر کرت کی داد. بتنے کامینگز ، تام با بار سیاستین مانیسکالو و اریک ویتنی نامیخر، نام پرچه سیسمین سیسمور ور ـــ گریفین، که جوکهای آمریکایی تعریف می کنند و مخاطبان خاورمیانهای آنهار امی فهمند و به آنها نی خندند درشرایطی که ما فیسبوک، یوتیوب و نمام گونههای دیگر از رسانهها را در اختیار داریم، ے ہو جست کہ مردم خاورمیانہ چقدر در مورد شگفتانگیز است که مردم خاورمیانه چقدر در مورد فرهنگ غرب می دانند من همیشه می گویم که بقیه جهان، در مورد آمریکا خیلی بیشتر از آن اطلاع دارند كه آمريكاً در مُور دبقيه جهان مى داند.

هنگامی که ما اولین تیور خیودرا در خاورمیانه اجرا کردیم، به ما گفته شــد که نیازی نی ، شــويم؛ درواقــع صِرفِ حضــور ما در واردخاسیه سرویه؛ رواضع هرب حضور مادم منطقه و اجرای برنامه طنز سربرایی، خودش نوعی خرق عادت بود، واقعیت این است که بهترین طنز هم، متضمن نوعی بی احترامی است و در شرق، با جوامعی مواجهیم که بر احترام تأکید زیادی دارند. باید به خاطر داشته باشیم که نوع طنزی که مادر حال حاضــر در ایالات متحــده و غُرب داریـــه، برای این کشورهای اسلامی نسبتا جدیدند – همان طور که طنز لُنی بروس، تاهمین چندی پیش، برای ایالات متحده جدید بود-و پذیرش آن از سوی اکثریت، نیازمند گذشت زمان است.

بیارمند ندست رونان است. بسیاری از مسلمانان می خندند درست مثل ما. البته بعضی از آنهاه همچنان تلنگر طنز امیز به مذهب با بسیاست را مجرمانه می انتد، اما اکثریت آنها در اعتراض به چنین رویدادی اسلحه نخواهند کشید و به اعمال خشسونت آمیزی مانند آنچه در فرانسه

ستنین روز پیش به رونده که نومونی به سوچهو را ستینینی ناروز و بیشته کردهندی صفح بر مستی می داند. خلایم که با عنوان «از پین رفتن قدرت تطبیق و تطابق فر هنگ آیار ایلی » از آن نام می برد و رمخالف با ستایر فرهنگ آشننا تسوند و بخش هایی از آن را گرفته و ایرانیزه کننسد. با منوچهر ، مخالفت با سیایر فرهنگ آنسنا نسوند و بخش هایی از آن را گرفته و ایرانیزه کننسد با منوچهر نستیانی در خصوص این خسلاء و مهسکل فرهنگی به گفت و گوننسستیم که در پسی می آید:

سركوب،عاملازبينرفتن قدرت تطبيق وتطابق فرهنگ ايراني

طرح نب (فروغ فکسی) (حالا با نام بومی سیازی فرهنگیی از آن نیام می برند. امری که سیده ها سرے اسروے سروی بیش از این فلاسفه، شعراو اندیشـــمندان ما در تبادل فرهنگی با ســایر فرهنگهااز آن استفاده بی کردند. امری کــه حالامی خواهند بــه فرهنگ تزریقش کننــد و از این رونیـــز فرهنگ و علوم انسپانی آن را پیس می زند.امری کیه منوچهر آشیتبانی آن را از جمله خلاءهای اصلی فرهنگی

> شمایکی از ضعف های عمده فرهنگ کنونی هستایدی رصحتانی عشانه ترست کنوسی مارا در کنار سطحی شدن فرهنگ، از دست دادن ویژگی تطبیق و تطابیق آن می دانید. اما چنانچه بِخواهیم تعریفی از آن داشته باشیم، آن

" در تمامی فرهنگها، هم در حــوزه مادی و هم در حوزه معنوی، دادو ستدوجود دار دوبین فرهنگهای مورد مسوری مدور مساور بود سروردین مرسستانی مختلف، مانند فرهنگ ایسران و یونان، در مقاطعی از تاریخ،ار تباطات گوناگونی وجودداشته.امامعمولااین رزی در بید و موری و برد. ارتباطات بیشتر به صورت منطقهای بوده است. برای مثال در منطقه خاورمیانه، ما با چینی ها، مصری ها، هندی ها، یونانی ها و پس از آمدن اسلام نیز با عربها روابط نزدیکی داشـــتهایم.از قــرن نوز دهم. به بعد که دوران رنسانس پشت سر گذاشته شدو بعدهم جهان وار د بورژوازی– ســرمایهداری متقدم و متاخر – شد، . نرهنگ ما وارد ارتباط با فرهنگ اروپایی شــد و این ارتباط داراى ارجحيت شدوميزان نقل قول هايي كهاز ر برای کی رکزد. فرهنگاروپایی میشود، به مراتب بیشتر است. به این تر تیب در مقاطع مختلف تاریخی این از تباط فرهنگی رخ داده اُسـت. در زمان ساُسـانیان و پیـش اُز ورود اسلام، این ارتباط میان ایران و یونان بسیار گسترده بوده است. کتابهای بسیاری وجود دارد که نشان ر میدهددانشمندان ایرانی و یونانی گردهم می آمدند و در مور دموارد گوناگون با یکدیگر بحثهایی طولانی مًى كُرِدُند. پُسُ از أمدُنَّ اعراب اينُ رابطه قطع شُــد و ارتباط با كشور هاى عربى سابق -اسلامى فعلى - تقدم بيدا كرد. به اين ترتيب حضور اعراب افزايش يافت و در تمام این چهارده قُرن را بگردیم، این امر خواهیم بود که تاثیر پذیری فرهنگی از اعراب بیشتر می شود. این روابط در مقاطع مختلف تاریخ تغییر کرده است. ارتباط با فرهنگهای غربی هم تا پیـش از روی آور دن محمدرضا پهلوی به ســمت آمریکا به سمت انگلستان وفرانسه متمایل بوده است

و يس از علاقه محمد رضا شاه این تمایل به سیمت فرهنگ آمریکایسی حرکت کسرد.امالز دوران سامانیان روابط ما با رون فرهنگ جهانی شروع به نشت پیدا می کند. یعنی همین جریانی که در زمان ساسانیان وجود داشت، در زمان سامانیان و تــا دوران حكومــت غزنويان نيــز ادامه مي يابــد. از قرن دوم تاجهارم، درايـران شاهد روابط گوناگــون فرهنگی و در

زُمينههای ادبیات، موسیقی، شعر،نقاشی و.. هستیچ، که نمونههای آن بسیار بارز است.وقتی کتاب «اغراض مابعدالطبیعه»فارایی را مى بينيم، كاملامر تبط بأفلسفه ارسطويى وافلاطُونى است. بلافاصله پس از آن فلســفه سينوى است كه بخشهایی از فلسفه اوم رتبط بامنطق ووجود شناسی ارسطو و اشراق افلاطون است. این امر تا ملاصدرا هم ادامه دار د و این آثار باقی مانده، نشان دهنده تبادل فرهنگی ما بساً فرهنگ یونانی است. ولی همچنان ارجحیت با فرهنسگ ایرانی بوده است. یعنی اکثر مرصنی هاب فرهنت یونین ارجعیت با فرهنتگ ایرانی بوده است. یعنی اکثر فلاسنفه تراز اول ماسیر نقکر مشایی-ارسطویی یا اشراقی-افلاطونی را گرفتهاندو به سمتجلو آمدهاند در کلام شعرای بزرگ مانندمولوی، حافظ و-نیز این موارد به وضوح وجود دارد. قدرت تطبیق و تطابقی که از آن سخن به میان آوردهام، این است که فلاسفه و ر را نسستی به بیان وروسها بین ست به درسته و شمل مانست و مخالت و مانست و مخالت و مخالت و مخالت و مخالت و از آن را می گرفتند و ایراند بخش هایی از آن را می گرفتند و ایراند نموی کردند.

ه به ایس تر تیب فلسشفه این سینا، فار ایی و و بسیاری دیگر تعبید قامایی و و بسیاری دیگر تعبید قامایی و داراند تاثیر تعبید ق و تعالیق ه داراند کار می در این کار تعلید ق و تعالیق ه داراند کار تعلید کار تعلید ق و تعالیق ه داراند کار تعلید کار تعلید

فرهنگیشکلگرفتهاست؟

. بله. ۳۵۰ ســال قُبل از ميلاداوج فلسفه مشاي يونان است و ابن سينا هفت قرن بعداز آن ملهم از اين یرس سحر و سیسه مصحا در اس معها در این نظرات شدهاست. ترجمه هایی از فارسی قدیم و پهلوی، عبری، عربی، یونانی و در این زمینه هاصورت گرفت و به صورت تکه تکه در اختیار این سینا قرار گرفت. هرچه از ابن سینا دور می شویم و فاصله می گیریم، این ار تباط نیز کمتر مے شود خارج از ایران نیز بلُخ، کتاب معروفی دار دباعنوان (ابن سیناوار سطویی های چپ) که در این کتاب خط تفکر ار سطو را گرفته و ادامه داده است که می بینیم این تفکر در غُربُ قُطع شُده و در ایران توسط این سیناادامه پیدا کر ده است.

میسیده در مصفه و در حقیقت ایس تطبیسق و تطابسق، همان بعث بومی سازی است که در هر حال حاضر و در خصوص علوم انسانی بسیار بر آن تأکید

. بلــهُ.امــادر آن زمان بــدون این کــه چنین بحثی مطرح باشد، در تمامی علوم، از علوم انسانی تا طبیعی و به خاطــر ار تباط فرهنگی با جهــان دیگر، منقولات بسیاری رااز کشورهای دیگر می آوردندوبه دُلیل زبانی، دیانتی و ایرانیزهمی کردند.

• اما نگاه تان به مقوِله بومی سازی که اکنون

هر یکشنبه بامنوچهر آشتیانی

مطرحاست،چیس در این زمینه بحثهای بسیاری صورت پذیرفته. اما در این زمینه بحندهای سیاری صورت پدیرفته اما راقعیت انتخاب که ماد طواحتات و تغییر فتاه اما زیبایی شناسانعمی تولیم تغییری پایجاد کتیمدر علوم تاسیسی هم که توسط خودمان شکل گرفته مانند فقه ایران اسلامی ادبیات فراسی و نیز نمی تولیم تغییری ایجاد کتیمیو درواقی این دارد شوانه بوسی سازی ید به دورند در وجه تملیکی است که باید بوصیداری خ و تطابق به خوبی رخ دهد و لازمه این تطبیق و تطابق ر بر بریکری درستنیز آزادیفکراست. در زمانی که این آزادی عمل و عقیده وجودداشته، ماشاهد تطبیق و تطابق بودهایم وُاینجاست که می گویم این خاصیت از بین رفته است و دلیل اصلی آن را باید در سر کوب جست. سر کوبی که و دلیل اصلی آن را باید در سر کوب جست. سر کوبی که توسط خلفا آغاز شدو در طی قرون متمادی ادامه یافت. ابتدا باابن سینا برخورد کردند، پس از اووقتی ابن رشد آمد که بسیار تندتر از ابن سینا بود، خلفا برای مقابله با او به ابن سینا متوسل شدند و شرایط بسیار مضحک بود. حالِ بومیسازی نیز شرایط پرمخاطره خودرادارد چ اکه آزادی عمل، آنطور که بایدو شایدو جودندار د. واز قرن دوم خصوصیت تطبیق و تطابق دادن فرهنگ ایرانی با سایر فرهنگها آغاز می شود و پُـس از ایـن دوره افـُـول آغاز می شـود. کمی در خصوص چگونگی این امر و تبعات آن توضیح

ر. این ارتباط قطع شــداما بــه صورت, نشستی، بقایای تفکر مشاواشراق، دُر تماُم آثار ادبی و فلسفی ماباقی ماندواین امر به طور مختلفی تا زمان ما ادامه پیدا کرد. اما دیگر به صورت بارز و مانند زمانی که ابن سينابه صورت مستقيم از أرسطو نقل قول مي كند، سیمه سورد. ت. یا زمانی که فارایی رسساله معروفی درباره فرق

ارسطو و افلاطون می نویسد و با کمال شگفتی مطلبی را در قرن لازمه تطبيقو تطابق لازمه نطبیق نطابق آزادی فکر است.در زمانی که این آزادی عمل و عقیده وجود سـوم، چهارم درخصوص فرق بین اُفلاطون و ارسطو می گوید و فرق میان آنها را در امور فرعی داشته،ماشاهد تطبيق و تطابق می داند. امسری که اکنسُون در کشورهای اروپایی به آن دست بودهایمواینجاست کهمی گویم این خاصیت از بین رفته است یافته اند. حتی در زمان صفویه ودليل اصلى آن رابايددر " كەاوج تفكر فلسفى رخ مىدھد، سر کوب جست.سر کوبی که توسط خلفا آغاز شدودر طی قرون متمادی ادامه یافت به پای قبــل نمی رســ این زمینه هـم عوامل گوناکون تاثیر گذارند که یکی از آن عوامل،

ناگهان در زمان مغول رواج می یابد و باعث سقوط این

حرکت عقل ذایی است که

• ویژگی تطبیق و تطابق، به نوعی لازمه تمام رهنگهاست، از اینرو نشانههایی را می توان سرست سست از اینرو نشانههایی را می توان یافت که فرهنگ غرب نیز چنیسن ویژگی را در تعامل بافرهنگ ماداشته است؟

۰۰. م به صورت تقریبی کم است اما در حقیقت آنها نیز بخشهای زیــادی از فرهنــگ ما را با خــود منطبق کردهاندنستله کتابی داردباعنوان از اسطوره تاعقل. که این کتاب در سال ۱۹۲۱ تالیف شده است. در این کتاب "ی معروف که کُل فلسفه یونان را مورد بحث قرار می دهد، با کمال شگفتی باید گفت که در حدود صد صفحه به بن ام اختصاص داده شده است که دیالکتیک فلسفه ين فلاطون متاثر است از نظريه دو آليسم زرتشت يا نبرد اهورا و اهریمن اما این مباحث به ندرت ادامه پیدا ميُ كُنُد وازَّ تأثير فرهنگي-فلسفي ايران بُر غرب ديگر تى نيست تا قرن چهاردهم، يانزدهم ميلادي که آثار این سینا به لاتین ترجمیه و در غرب مطرح می شود و بسیاری از دانشمندان آن دوره غرب به آثار او رجوع کُرده و اُین آثار را تدریس می کُنَند اُروپایی ها برخوردشــان بین فرهنگ یونانی و رمی بود و به علاوه رخور دخر ده فرهنگ هابین فرهنگ های محلی شان. ، 'رُ رُ رُ سانُس کُه سر کوب دوران فئودال از بین رفت، آشنا شــدن غربیها با فرهنگ شرقی علی الخصوص فرهنگ ایرانی افزایش می باید. نفوذ فرهنگ ما در میان آنها تا حدی شدید بود که تعجب برانگیز است. . نها در دورهای که می خواستنداز سر کوب نجات یابند، از فرهنگ ما بهره بردند. مارکس و انگلس مقالهای درخصوص رنسانس ایرانی دارند که البته از آن به عنوان ر سر کر کی کر نسانس عربی یادمی کنند-چراکه از طریق زبان عربی با این منطقه آشنا شــدند- در آن مقاله می گویند که . یکی روشننفکری و آزادی فکر در ایران، به مراتب بیشتر از مااست و آنهااز ما جلوترند. اما آنچه این رابطه را بیش از پیش به مخاطره می آندازد، در کنار سایر چیزهایی که به آناشاره شد، جنگهای ایران و عثمانی و در بدترین زمان ممکن است رابطه ماباجهان غرب از طریق ترکیه بود اما جنگهای ایران و عثمانی این رابطه را برای سه قرن قطع کرد و ما زمانی باار و پاروبه رو شدیم که سه قرن از آنها عقب بوديم وهمچنان هم باسه قرن فاصله